

زندگینامه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

اسم آن خانم، فاطمه است و برای آن بزرگوار هشت لقب ذکر کرده اند: صدیقه، راضیه، مرضیه، زهرا، بتول، عذرا، مبارکه و طاهره (1). از بعضی روایات استفاده می شود که زکیه و محدثه از القاب آن خانم است و کنیه او ام ابیها است. (2) عمر آن بزرگوار تقریباً هجده سال است. در روز جمعه بیستم جمادی الثانی سال دوم بعثت به دنیا آمد (3) و سال یازدهم از هجرت، سوم جمادی الثانی (4) به دست گردانندگان سقیفه بنی ساعده شهید شد.

شخصیت حضرت زهرا

شخصیت حضرت زهرا را با این بحث کوتاه نمی توان معرفی کرد و آنچه در اینجا آورده می شود، قطره ای از دریای فضیلت آن صدیقه شهیده است. شخصیت اسلامی از دو راه یافت می شود: از راه نسب و از راه حسب و فضایل نفسانی. شخصیت نسبی که

اسلام آن را پذیرفته است، تحت تاثیر عوامل مختلفی است: قانون وراثت، تغذیه از راه مشروع، تاثیر محیط، تاثیر همسر و رفیق، اولاد صالح و غیره در تشکیل چنین شخصیتی نقش دارند. زهرا (سلام الله علیها) از نظر قانون وراثت، پدری چون رسول گرامی دارد که به گفته سعدی همه مراتب انسانیت را به کمالاتش پیموده است. همه تاریکی ها به جمالش روشن شده است و همه صفات او در انتهای خوبی است:

«بَلَّغَ الْعُلَى بِكَمَالِهِ كَشَفَ الْدُجَا بِجَمَالِهِ حَسَنَتِ جَمِيعَ خِصَالِهِ صَلَوَا عَلَى آلِهِ»

مادری چون خدیجه دارد که باید گفت اسلام مرهون زحمات آن بزرگوار است. مادری که سه سال، مسلمانان محصور در شعب ابی طالب را اداره کرد و همه اموال خود را در این راه خرج کرد. مادری که چندین سال در مکه با آن مصیبت های کمر شکن ساخت، و دوش بدوش رسول اکرم، اسلام را یاری فرمود و در این راه سنگ ها به بدن مبارکش فرود آمد، بی حرمتیها به او وارد شد، شتمانتها در این راه دید و هرچه این اتفاقات بیشتر می شد، صبر و استقامت او زیادتیر می گشت.

و اما از نظر قانون تاثیر غذا: مورخین نوشته اند که وقتی اراده حق تعالی به خلقت زهرا (سلام الله علیها) تعلق گرفت، پیامبر گرامی مامور شد که چهل شبانه روز در کوه حرا به ریاضت دینی پردازد. (5) حضرت خدیجه در خانه خود، از مردم گوشه گرفته و به عبادت مشغول بود و پیامبر گرامی در کوه حرا، پس از آن مدت فرمان آمد که پیامبر به خانه بازگردد. از عالم ملکوت برای آنان غذا آوردند. سپس نور زهرا به حضرت خدیجه منتقل شد.

از نظر تاثیر محیط، زهرا علاوه بر آنکه در دامن مادری فداکار، با گذشت و با استقامت، و در دامن پدری چون پیامبر گرامی پرورش یافت، محیط زندگی او محیط پر تلاطمی بود. مکه با آن مصیبت ها و حوادث ناگوار، محیط پرورش او بود. در شعب ابی طالب با آن حوادثی زندگی کرد که امیرالمومنین در نهج البلاغه آنجا را برای معاویه چنین توصیف می کند: «شما ما را سه سال در میان آفتاب زندانی کردید، به طوری که بچه های ما از گرسنگی و تشنگی مردند، بزرگان ما پوست گذاردند، صدای آه و ناله زنهار و بچه ها بلند بود...» روشن است بچه ای که در این چنین محیطی پرورش یابد؛ مخصوصا اگر مربی ای چون پیامبر گرامی داشته باشد، استقامت او، صبر او و سعه صدر او زیاد خواهد بود:

ناز پرورده تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

زهرا (سلام الله علیها) از نظر همسر و مصاحب، و از نظر اولاد صالح نیز، فوق العاده است. شوهری چون امیرالمومنین دارد که بیش از سیصد آیه از قرآن شریف درباره او نازل شده. (6) شوهری که از نظر تاریخ، قطعی است که اسلام مرهون او است. شوهری که به اقرار خود اهل تسنن، عمر بیش از هفتاد مرتبه در مواقع مختلفه گفته: «لولا علی لهلك عمر». (7) فرزندی چون حسن، حسین، زینب و کلثوم دارد که اگر نبودند، قطعاً اسلام نبود و به گفته امام حسین «وَعَلَى الْإِسْلَامِ، السَّلَامُ» (8) زهرا از نظر فرزند، ام الائمه است، سر مستودع است، مادر عصاره عالم خلقت، حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

و اما از نظر فضایل انسانیت، چه می توان گفت در حق کسی که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) کرارا درباره اش فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَاكَ وَ طَهَّرَكَ وَ أَصْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». (9) همانا خداوند تو را برگزیده و پاکیزه و معصوم گردانیده و تو را بر همه زنهار رجحان داده است.

اگر برای فضیلت زهرا چیزی جز سوره کوثر نبود، زهرا را بس بود که بگوید نزد خداوند افضل و برتر از عالمیانم.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.» (10)

همانا کوثر را بر تو ارزانی داشتیم، پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن، به درستی که بدخواه تو دنباله بریده است.

زهرا از نظر ایمان، راضیه و مرضیه است:

«يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّاتِي.» (11)

«ای نفس مطمئنه! - که به مقام شهود رسیده ای - بیا به سوی پروردگارت خشنود شده، و داخل در زمره بندگان من شو و داخل شو در بهشت من.» ما باید بدانیم که القاب چهارده معصوم، کنیه های آنان و اسماء آنان بی سبب نیست. همه آنها سر دارد. معنی ندارد زهرا، صدیقه؛ زکیه؛ طاهره؛ محدثه و... نباشد و به این گونه لقبها متصف شود. اگر جبرئیل نیاید و با او محادثه نکند و به او محدثه بگویند، دروغ است: «تعالی الله عما يقول غیر العارفين فی حقهم؛ و معنی ندارد کسی محدثه باشد و ایمانش به مرتبه شهود نرسیده باشد.» زهرا از نظر علم دارای مصحف است.

از نظر روایات، کتاب هایی نزد ائمه طاهرين است که از جمله آن کتاب ها مصحف فاطمه (سلام الله عليها) است.

این کتاب را ائمه به آن افتخار می کرده اند و می گفتند: علم ما کان و یکون و ما هو کائن در آن است؛ و به خط امیرالمؤمنین و املاي حضرت زهرا سلام الله علیهما می باشد. (12)

حضرت زهرا از نظر زهد

شبی که زهرا به خانه امیرالمؤمنین می رفت، امیرالمؤمنین فرش خانه اش را از شن تهیه کرد و رسول اکرم جهازیه ای برای زهرا (سلام الله عليها) تهیه فرمود که همه آن جهازیه شصت و سه درهم می شد. جهازیه عبارت بود از:

1- عبا 2- مقنعه 3- پیراهن 4- حصیر 5- پرده 6- لحاف 7- دستک 8- بالش 9- آفتابه 10- آب خوری 11- کوزه 12- کاسه 13- آسیای دستی 14- مشک آب 15- حوله 16- پوست گوسفند.

پیامبر گرامی چون جهازیه را دید از چشمهای مبارکش اشک جاری شد و فرمود: «خدایا این جهازیه را که غالب آن از گل است مبارک کن!» (13) زهرا به خانه شوهر می رود و در وسط راه پیراهنی را که از جمله جهازیه او است، به فقیر می دهد و با همان پیراهن کهنه ای که داشت به خانه امیرالمؤمنین رهسپار می شود. (14)

شب عروسی پایان گرفت و صبح، پیامبر گرامی به دیدن زهرا آمد و هدیه آورد. هدیه پیامبر گرامی این بود: «علی فاطمة خدمت ما دون الباب و علی علی خدمت ما خلفه.»

کارهای داخل خانه برای فاطمه است و کارهای خارج از خانه برای علی.

زهرا از این هدیه، از این تقسیم کار به قدری خشنود شد که فرمود:

«فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ» (15)

جز خداوند کسی نمی داند که از این تقسیم کار چقدر خشنودم.

عبادت حضرت زهرا

در روایات آمده است که زهرا به قدری روی پا ایستاد و عبادت کرد که پاهای او متورم شد (16) امام حسن (علیه السلام) می گوید، مادرم از اول شب تا صبح عبادت می کرد و هرگاه از نماز فارغ می شد، به دیگران دعا می کرد. از او پرسیدم که چرا به ما دعا نکردید؟ فرمود: عزیز من اول دیگران، سپس ما - الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ. - (17) تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) بسیار با فضیلت است. امام صادق (علیه السلام) فرموده: «تسبیح جده ام زهرا (سلام الله علیها) نزد من از هزار رکعت نماز بهتر است». (18) می گویند: زهرا برای کمک، خادمه ای لازم داشت و گرفتن خادم و خادمه در آن زمان رایج و بلکه لازم بود. چون زهرا (سلام الله علیها) بر رسول الله وارد شد قبل از آنکه در این مورد چیزی بگوید، پیامبر فرمود: زهرا جان می خواهی چیزی به تو یاد دهم که بهتر از دنیا و آنچه در آن است باشد؟ و تسبیح مشهور را به او یاد داد. زهرا (سلام الله علیها) با خوشحالی تمام به خانه بازگشت و به امیرالمومنین عرض کرد با دعایی که از پدرم صلوات الله علیه گرفته ام، خیر دنیا نصیب من شده است.

سخاوت و ایثار زهرا

مفسرین شیعه و سنی اتفاق دارند که روزی زهرا (سلام الله علیها) با اطرافیاناش روزه بودند. در هنگام افطار فقری رسید و از آنها چیزی خواست. زهرا، شوهرش، بچه هایش و خادمه اش افطار خود را به آن گدا دادند. زهرا برای افطار روز بعد نانی تهیه کرد. یتیمی آمد، زهرا نان را به یتیم داد در مرتبه سوم نانی تهیه نمود اسیری آمد و افطار خود را به او داد و بالاخره هر سه شب را بدون افطار صبح کرد و آیه شریفه نازل شد «يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» (19) «و اطعام کردند طعامی را که دوست داشتند به مسکین و یتیم و اسیر جز این نیست که این کار را فقط برای خدا می کنیم و از شما جز او سپاسی نمی خواهیم». (20) در خاتمه به تفسیر کنیه و اسم ایشان می پردازیم. برای القاب زهرا، تفسیرها، تاویل ها و گفتگوها چندان است که در این نوشته مجال بازگو کردن همه آن نیست فقط به طور فشرده به تفسیر کنیه و اسم ایشان می پردازیم.

کنیه و القاب حضرت

زهر را ام ابیها گفته اند و این کنیه را که افتخاری بر آن حضرت است، پیامبر گرامی به ایشان داده است. (21)
ام ابیها به معنای «مادر پدرش»؛ یعنی زهر را مادر پدر خویش است. این کنیه معانی مختلفی دارد اما بهترین معنی همان است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به این کنیه داد یعنی: «زهر اعلت غایی جهان هستی است.» و اگر کسی ادعا کند که واسطه فیض عالم هستی نیز هست، ادعای او بدون دلیل به گزاف نیست.

واما فاطمه، فاطمه را فاطمه گفته اند و این تسمیه اسراری دارد و همه آن اسرار از روایات بهره مند است:

1- «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّهَا فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ» (22)

فاطمه، فاطمه نامیده شده است؛ چرا که از شر بریده و جدا است.

این جمله اشاره به عصمت زهر (سلام الله علیها) است؛ زیرا مسلماً معصومه است و آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (23) درباره او است. (24)

2- «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ فُطْمَهَا وَ فُطْمَ عَنِ الطَّمْثِ.» (25)

فاطمه را فاطمه گوید زیرا بریده است از خونی که زنها می بینند. این تفسیر اشاره به طهارت ظاهری زهر (سلام الله علیها) است؛ زیرا از نظر روایات، چنانچه زهر مطهره بود از نظر معنی، طاهره بود از خون حیض، نفاس و استحاضه.

3- «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّهَا فُطِمَتْ عَنِ الْخَلْقِ؛ فاطمه را فاطمه گفتند، برای اینکه بریده شده بود از خلق.»

این تفسیر اشاره به مقام فنا و لقای زهرای مرضیه است. کسی که در دل او هیچ کس جز خدا نبود دل او فقط مشغول به خدا است.

4- «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهَا.»

فاطمه، فاطمه نام گرفت؛ زیرا مردم از معرفت او بریده شده اند و قدرت بر شناخت حقیقت او ندارند و این تفسیر اشاره به همان مقامی دارد که به واسطه آن مقام ام ابیها نامیده شده است.

5- «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّهَا فُطِمَتْ هِيَ وَ شَيْعَتُهَا عَنِ النَّارِ.» (26)

فاطمه را فاطمه گفتند؛ چون شیعیان خود را از آتش می رهند و نجات می دهد. این تفسیر اشاره به شفاعت اوست.

6- «سُمِّيتْ فَاطِمَةُ فَاطِمَةً لِأَنَّ أَعْدَائَهَا فُطِمُوا عَنْ حُبِّهَا»

فاطمه را فاطمه گفتند، چون دشمنان او بریده می شوند از محبت او، و روشن است که کسی که محبت اهل بیت را ندارد به رو در آتش انداخته می شود.

در حق فاطمه چه توان گفت که پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله و سلم چون بر زهر (سلام الله علیها) وارد می شد یا زهر (سلام الله علیها) بر او وارد می شد، چهره زهر (سلام الله علیها) و دست زهر (سلام الله علیها) را می بوسید و او را استقبال می کرد و به جای خود می نشانید. (27)

و می فرمود: من بوی بهشت را از سینه زهر استشمام می کنم، ولی همین زهر (سلام الله علیها) به قدری برای دیگران متواضع است که وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) از او اجاره می خواهد که کسانی بر خانه زهر (سلام

الله (علیها) وارد شوند، زهرا با آنکه از این ملاقات سخت بیزار است؛ (28) اما چون علی (علیه السلام) می خواهد آن بانوی متواضع در مقابل شوهر می گوید: خانه، خانه تو و من هم کنیز تو هستم. (29)

زنی می آید و از زهرا (سلام الله علیها) مساله ای سوال می کند اما چون بیماری فراموشی دارد، ده بار برمی گردد و مساله را سوال می کند در بار دهم از زهرا (سلام الله علیها) عذر خواهی می کند و زهرا در جواب می فرماید: «در هر بار، پروردگار عالم به من پادشاهای زیادی عنایت می کند پس تکرار سوال تو عذر ندارد». (30)

زهرا (سلام الله علیها) وقتی پدر بزرگوارش فضا خادمه را به او داد به دستور پدر کارهای خانه را قسمت کرد: یک روز زهرا (سلام الله علیها) کارها را انجام می داد و روز دیگر نوبت فضا بود. (31)

نباید فراموش شود و بانوان باید بدانند که زهرا (سلام الله علیها) و همه اهل بیت علیهم السلام سرمشق زندگی ما هستند، همه باید از پیامبر گرامی و خاندان او سرمشق بگیرند.

قرآن چنین دستور می دهد:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ...» (32)

به تحقیق که رسول خدا سرمشق است برای کسانی که امید به خدا و روز جزا دارند.

ما اگر سعادت دو جهان را بخواهیم باید پیرو رسول اکرم و اهل بیت گرامی او باشیم. بانوان اسلامی وقتی به سعادت می رسند که در عفت، ایثار، فداکاری، مردم داری، شوهر داری، خانه داری و تربیت اولاد، پیرو زهرا (سلام الله علیها) باشند.

صاحب وسایل الشیعه در جلد دوم وسایل قضیه ای از زهرا (سلام الله علیها) نقل می کند که همه مخصوصا بانوان اسلامی باید به آن توجه داشته باشند.

مضمون همه روایات چنین است: «فضا خادمه در روزهای آخر عمر زهرا، (سلام الله علیها) او را مهموم و مغموم یافت.» علت را پرسید زهرا گفت: «چون جنازه مرا بلند می کنند حجم بدن من نمایان است و نامحرم حجم بدن مرا می بیند.» فضا می گوید شکل عمار را برای زهرا رسم کردم و گفتم: در عجم رسم است افراد باشخصیت را در عمار می گذارند. زهرا شاد شد، تبسم نمود و وصیت کرد که جنازه او را در عمار بگذارند.

همه می دانیم که وصیت مؤکد کرد که امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را شب غسل دهد و کفن و دفن کند و کسی را هم خبر نکند. (33)

پی نوشت ها:

1- مناقب ج 3، ص 133 و 133- بحار الانوار ج 43 ص 16

2- مناقب ج 3، ص 133 و 133- بحار الانوار ج 43 ص 16

3- شیخ مفید (ره) در حدائق الریاض، مصباح کفعمی (ره) 4- دلائل الامة طبری شیعی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است.

5- بحار الانوار ج 6- بیت الاحزان محدث قمی (ره)، ص 5

6- خطیب بغدادی در تاریخ خود ج 6 ص 221 و ابن حجر در صواعق ص 76، شبلنجی در نورالابصار ص 73 از ابن عسکر از ابن عباس: در کتاب خدای تعالی برای هیچ فردی، آنقدر که در فضیلت علی (علیه السلام) نازل شده، آیه نازل نشده است.

- 7- سنن بیهقی ج 7 ص 442، ریاض النضره ج 2 ص 196
- 8- مقتل خوارزمی ج 1 ص 184- لهوف ص 20
- 9- مناقب ابن شهر آشوب ج 3- امالی صدوق سوره کوثر.
- 10- سوره کوثر.
- 11- فجر آیات 27 تا 30.
- 12- اصول کافی ج 1 بصائر الدرجات.
- 13- امالی شیخ طوسی / 5 ج 1، ص 39
- 14- صفوری شافعی در نزهۃ المجالس ج 2 ص 226.
- 15- قرب الاسناد - منتهی الامال ج 1.
- 16- بحار ج 43 ص 84- منتهی الامال ص 161.
- 17- کشف الغمه ج 2 س 25 و 26- بحار ج 43 ص 81 و 82.
- 18- وسائل الشیعه ج 4 باب 9 ص 1024.
- 19- سوره دهر/ (انسان) آیه 7 و 8.
- 20- امالی صدوق ص 212- 216- تفسیر کشف تالیف جار الله زمخشری.
- 21- مقاتل الطالبین، کشف الغمه
- 22- مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 230.
- 23- احزاب/ 43.
- 24- سیوطی در المنثور ج 5 ص 198 زمخشری در کشف ج 1 س 193 و . . .
- 25- مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 330.
- 26- بحار الانوار ج 10.
- 27- الامامة و السياسة ج 1 ص 14 علل الشرايع صدوق / 5.
- 28- ترمذی و ابن عبد ربه در عقد الفرید ج 2 ص 3 مناقب ابن شهر آشوب ج 3.
- 29- علل الشرايع.
- 30- بحار الانوار کتاب العلم.
- 31- بحار ج 43 ص 28- بیت الاحزان ص 20.
- 32- احزاب آیه 21.
- 33- روضه الواعظین.